درس 46

| | |
|---|---|
| 1 | دعا |

رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به ملكوت خداست به خداوند بسپاريد.

| | |
|---|---|
| 2 | در ميان گذاشتن آموخته ها (15دقيقه)<br>دانيال |

هر يك به نوبت و به طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از اوقات خلوتي كه به مطالعة قسمتهاي تعيين شده از كتاب مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته ايد (دانيال 7، 8، 9، 12)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد). به كسي كه صحبت مي كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي گويد بحث نكنيد.

| | |
|---|---|
| 3 | به خاطر سپردن (5 دقيقه)<br>عنوان مجموعه: روميان |

مرور: روميان 13: 14 را دو به دو مرور كنيد.

| | |
|---|---|
| 4 | بررسي كتابمقدس (90 دقيقه)<br>روميان 15: 1-33 |

مقدمه: روميان 15: 1-6 در رابطه با وظيفة شخص مسيحي در قبال مسيحياني كه ايمانشان ضعيف يا قوي است تعليم مي دهد.
روميان 15: 7-13 در رابطه با وظيفة يك شخص مسيحي در قبال گروههاي قومي و نژادي ديگر تعليم مي دهد. و روميان 15: 14-33 خدمت، خط مشي و برنامه هاي پولس رسول را توضيح مي دهد.

| |
|---|
| گام 1: قرائت<br>قرائت: روميان 15: 1-33 را با هم بخوانيم.<br>هر يك از ما به نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود. |

| |
|---|
| گام 2: كشف كردن<br>ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟<br>يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي كند؟<br>يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.<br>در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).<br>حالا به نوبت آنچه را كه كشف كرده ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.<br>(سطور بعدي نمونه اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي گذارند. و به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك ، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.) |

كشف 1: در روميان 15: 1-6 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. مسيحيان قوي و توانا بايد ضعفهاي مسيحيان ناتوان و ضعيف را متحمل شوند.
پولس صحبت خود را راجع به ايمان مسيحيان كه قوي يا ضعيف است، ادامه مي دهد. در اين چهارچوب، منظور وي از ايمان، ايمان به عيسي مسيح براي دريافت نجات نيست، بلكه منظور ايماني است كه مشخص مي كند كه مسيحيان چه اعمالي را بايد انجام دهند و از كدام اعمال بايد برحذر باشند. ايمان دروني آنها، تعيين كنندة اعتقادات شخصي، يقين‌ها و باورهاي آنها در رابطه با موضوعات قابل بحث مي باشد.
اين حقيقت كه مسيحيان ضعيف در رابطه با اعتقادات مسيحيان قوي و اعمالي كه انجام مي دهند، شك و ترديد دارند، مي تواند روي روابطشان با آنها تاثير گذاشته، باعث ايجاد اختلاف وتنش ميان آنان شود.

الف) مسيحيان بايد باعث خشنودي همسايهٔ خود شوند و به اين ترتيب آنها را بنا كنند.
خشنود كردن به مفهوم رئوف و بخشنده بودن و تمايل جهت انجام كارهايي است كه مورد رضايت ايمانداران ضعيف مي باشد، و برحذر بودن از اعمالي است كه موجب نارضايتي آنها مي شود. البته اين بدان منظور نيست كه مسيحيان قوي بايد همواره طبق ميل ايمانداران ضعيف عمل كرده، اعمالي را انجام دهند كه آنها را خشنود مي‌كنند! خشنود كردن ديگران اصل مطلق زندگي مسيحي نيست، زيرا بر طبق غلاطيان1: 10، اگر مسيحيان بخواهند همواره ديگران را در هر چيز خشنود سازند، نمي توانند خادمين

واقعي مسيح باشند. وظيفة خشنود كردن ديگران بايد محدود به موضوعات خاصي از قبيل خوردن، نوشيدن و ديگر موضوعات قابل بحث باشد (اول قرنتيان10: 31، 33).
وظيفة خشنود ساختن ديگران نبايد در رابطه با موضوعاتي باشد كه در كلام خدا به وضوح تعليم داده شده‌اند، بلكه بايد در رابطه با مواردي باشد كه مسيحيان ضعيف هنوز در مورد آنها شك و ترديد دارند. مسيحيان ضعيف از تخطي از تعاليم روشن و واضح كلام خدا بنا نمي شوند، بلكه زماني بنا مي شوند كه مسيحيان قوي با ميل قلبي حاضر باشند كه در رابطه با آنها ، اعمال خود را محدود به حوزة موضوعاتي بكنند كه قابل بحث مي باشند. بدين ترتيب مسيحيان ضعيف در ضماير خود آرام خواهند بود (1قرنتيان8: 12).

ب) مسيحيان بايد از الگوي مسيح به‌عنوان كسي كه محبتي عاري از خود و منافع خويش دارد، پيروي كنند. زماني‌كه مسيح به اين جهان آمد، بار سنگين اهانتها و مخالفتهاي مردم را با خود حمل كرد (يوحنا10: 20؛ متي 10: 24-25). بنابراين مسيحيان نيز بايد از نمونة مسيح پيروي كرده، در رابطه با موضوعات قابل بحث متحمل مسيحيان ديگر شوند.
البته بين آن كاري كه مسيح انجام داد و آن چيزي كه از مسيحيان انتظار انجام آن مي رود، تفاوت وجود دارد. خدا به فكر خشنودي خود نبود بلكه محبت او در رابطه با متحمل شدن مخالفت‌هاي مردمي كه دشمن او بودند (يعني غيرومسيحيان)، غير قابل قياس مي باشد.
از مسيحيان قوي تنها چيزي كه انتظار مي رود اين است كه متحمل وسواس‌هاي مسيحيان ديگر در رابطه با موضوعات قابل بحث باشند. اگر مسيح بزرگترين كار را انجام داد، آيا نبايد مسيحيان قوي كاري بسيار كوچكتر در مقايسه با كار او را انجام دهند؟
در رابطه با اين عمل عيسي مسيح، در عهد عتيق پيشگويي شده بود (مزمور69: 9). به همين ترتيب" تمام چيزهايي كه در گذشته مكتوب شد، به منظور تعليم ما نوشته شده اند." پولس رسول در رابطه با كتاب‌مقدس و نه هيچ كتاب ديگري صحبت مي‌كند. او معتقد است كه هدف كتاب‌مقدس، دادن هشدار به ما (اول قرنتيان10: 6، 11)، تعليم، تنبيه و اصلاح و تربيت و تجهيز ما مي باشد.(2 تيموتاؤس3: 16-17). همچنين به منظور اين است كه به ما تحمل، استقامت وايستادگي را بياموزد و به ما دلگرومي و تسلي دهد تا، اميد و انتظاري واقعي داشته باشيم (روميان15: 4). پولس مي گويد كه خدا خود "دهندة صبر و تسلي" مي باشد (روميان15 :5).
به ارتباط نزديكي كه بين خدا و كلامش وجود دارد، دقت كنيد. كتاب‌مقدس كلام پايدار خدا و كلامي زنده مي باشد. خدا از طريق كلام خود مردم را تشويق كرده، آنها را تسلي مي دهد.

كشف 2. در روميان 15: 7-13 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. يهوديان و غيريهوديان بايد يكديگر را بپذيرند، زيرا مسيح براي نجات هر دو گروه آمده است.
روميان 15: 7-8 مي فرمايد: "يكديگر را بپذيريد چنانكه مسيح نيز شما را پذيرفته است تا جلال خدا بر مردم آشكار شود... زيرا
عيسي مسيح آمد تا يهوديان را خدمت كند تا بدين ترتيب وعده هايي را كه به اجداد خود داده است، ثابت كند و تا غيريهوديان به‌خاطر رحمت خدا او را تمجيد كنند." دليل بنيادين براي اينكه يهوديان و غيريهوديان بايد يكديگر را در كليساي مسيح بپذيرند، اين است كه مسيح با اين هدف روشن به اين دنيا آمد كه هر دو گروه را نجات دهد. دليل ديگر اين است كه جلال خدا بر روي زمين در مخاطره است. تمايز موجود ميان يهوديان و غيريهوديان به اين مفهوم نيست كه يهوديان، مسيحيان ضعيف و و غيريهوديان، مسيحيان قوي بودند. دسته‌هاي مسيحيان ضعيف و قوي از هر دو گروه بودند: از يهوديان، جديدالايمانان و از غيريهودياني كه از زمينه بي‌خدايي آمده بودند. بنابراين تمايز موجود مؤيد اين ضرورت است كه يهوديان و غيريهوديان بايد يكديگر را در داخل كليسا در روم بپذيرند.

الف) عيسي مسيح براي يهوديان آمد. روميان 15: 8 مي فرمايد :" عيسي مسيح خادم ختنه گرديد." اين بدان مفهوم است كه او خادم مردم ختنه شده گرديد (4: 12). اين اشاره اي به "قوم اسرائيل برحسب جسم" و يا ملت نژادي و قومي اسرائيل مي باشد. عيسي مسيح خادم يهوديان شد تا وعده‌هايي را كه به پاتريارخها داده شده بود، ثابت كند.
بنابراين، عيسي مسيح به منظور استقرار و تثبيت عهدي آمده بود كه خدا آن را با ابراهيم، اسحاق و يعقوب بسته بود و براي اثبات و ضمانت آن نيز قسم خورده بود (عبرانيان 6: 16-18). وعدة آن عهد اين بود كه خدا توسط نسل ابراهيم (پيدايش 22: 18) كه عيسي مسيح مي باشد، تمامي ملل جهان را بركت مي دهد (غلاطيان3: 16). علامت و مهر اين عهد در زمان عهد عتيق، ختنه بود(پيدايش 17: 1-21؛ روميان 4: 11). بنابراين عيسي مسيح به اين دليل اول نزد يهوديان آمد كه وعدة خدا را كه به پاتريارخها داده شده بود، به تحقق برساند! عيسي مسيح به نمايندگي از طرف حقيقت آمد و اين حقيقت وعدة تضمين شده و قسم خوردة خدا مي باشد. خدا متعهد به انجام وعده اش شده بود. وفاداري خدا هيچوقت نقصان نمي‌يابد و به همين دليل عيسي مسيح آمد تا

وفاداري خدا را بر زمين محقق سازد (متي 26: 54). بنابراين عيسي اول براي يهوديان آمد. پس از آن نجات از يهوديان (متي 15: 24؛ يوحنا4: 22) به تمام ملل غير يهودي دنيا گسترش يافت (متي24: 14؛ 28: 19؛ اشعياء2:2-3).

ب) عيسي مسيح براي غيريهوديان آمد. هر چند عيسي مسيح به نزد يهوديان آمد، اين بدين منظور نيست كه او تنها براي يهوديان آمد بلكه براي غيريهوديان نيز (اشعياء42: 6؛ 49: 6). خدمت مسيح به يهوديان منجر به باز شدن در رحمتش براي غيريهوديان شد. روميان فصل 11 در رابطه با ارتباط و وابستگي دو طرفة غيريهوديان و يهوديان در طرح الهي تعليم مي دهد. مسيح در ابتدا به‌منظور تثبيت عهد وعده داده شده به قوم و نژاد اسرائيل، و بعد براي قوم‌ها و نژادهاي غير يهود در دنيا، آمد. عيسي مسيح به اين دليل اين كار را انجام داد كه ملل غير يهود خدا را به خاطر رحمتش جلال دهند. پولس رسول با اشاره به چهار نقل قول از عهد عتيق، اين حقيقت را تاييد مي‌كند كه يكي از هدفهاي آمدن عيسي به نزد يهوديان، نجات غيريهوديان از تمام ملل دنيا بود. در اشعيا 11: 10 نبوتي وجود دارد مبني بر اينكه مسيحاي موعود كه همان عيسي مسيح است، بر ملل غير يهود حكمراني خواهد كرد و اين ملل بر او اميدوار خواهند بود و اين بدين مفهوم است كه آنها به عيسي مسيح ايمان خواهند آورد و در انتظار تحقق تمام وعده هاي خدا در كلام وي خواهند بود (15: 12-13؛ عبرانيان11: 1).

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟
سعي كنيم همة حقايق موجود در روميان 15: 1-33 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي كنيم سؤال كنيم.
يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سئوالات را انتخاب كنيد و بكوشيد دربارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.) (مطالب ذيل نمونه هايي است از سئوالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث دربارة سئوالات ارائه شده است.)

سؤال 1. (14:15-19 الف). برخي از مشخصات خدمت پولس چه هستند؟
يادداشتها. خدمت پولس تحت عنوان خدمت تشويق، يادآوري و فروتني توصيف شده است.

الف. پولس به‌عنوان مشوق (15: 14). پولس رسول شخصي با نقاط قوت زيادي بود. او همچنين به تواناييها و نقاط قوت ديگران پي مي‌برد. و به جاي انگشت گذاشتن روي ضعفها و شكستهايشان، آنها را به خاطر تواناييها و نقاط مثبتشان تشويق مي‌كرد. در روميان 1: 8، 12، او آنها را به خاطر ايمانشان تحسين مي كند. و بعد در روميان 15: 14 او آنها را تحت عنوان افرادي كه " مملو از نيكويي، پر از كمال معرفت و قادر بر نصيحت نمودن يكديگر" هستند، مورد تشويق قرار مي‌دهد.
1
- نيكويي خصوصيتي است كه با هر آنچه كه شرير و بد است در تضاد مي باشد و در خود مفاهيم درستي، مهرباني و انجام كارهاي نيك براي ديگران را در بر دارد. نيكويي خصوصيتي است كه مسيحيان قوي را وادار مي كند كه از هر آنچه كه باعث ناراحتي ايمانداران ضعيف مي شود، بپرهيزند.

2- معرفت خصوصيتي است كه ايمان مسيحي را ادراك مي كند. اين خصوصيت مربوط مي‌گردد به قابليتِ شخص به تعليم دادن ايمان مسيحي به ديگران. معرفت در اينجا به‌طور خاص اشاره دارد به معرفت بر اين حقيقت كه سايه‌ها يا نمونه‌هاي عهدعتيق به‌واسطه عيسي مسيح در عهدجديد جامه عمل پوشيده است (كولسيان 2: 17؛ عبرانيان10: 1). بنابراين معرفت، خصوصيتي است كه ضعف ايمان در رابطه با موضوعات قابل بحث ميان مسيحيان روم را اصلاح مي كند. بنابراين اختلاف عقايد، يقين‌ها و باورها در روميان 14: 1 الي 15: 13، حقايقي فرضي نبودند. بلكه به دليل شرايط خاصي كه در روم وجود داشت، نياز به چنين تعليمي بوده است.
- قادر به تعليم ديگران بودن، اين خصوصيتي است كه تأثير عميقي بر اشخاص ديگر دارد. تعليم ديگران يعني حك كردن حقيقتي در فكر انان. مسيحيان روم اين توانايي را داشتند كه به مسيحيان ديگر اين هشدار را بدهند كه ديگران را به دليل داشتن يقين‌هاي متفاوت در رابطه با موضوعات قابل بحث، داوري و محكوم نكنند. آنها همچنين اين توانايي را داشتند كه دائماً به ديگران اين حقيقت را يادآوري كنند كه بايد در محبت نسبت به هم رشد كرده، باعث بناي ايمان همديگر شوند.

ب) پولس به‌عنوان يادآوري‌كننده (15: 15-16). پولس رسول اين حقيقت را به ياد مسيحيان روم مي آورد كه او "خادم عيسي مسيح براي خدمت به غيريهوديان جهت رساندن پيغام انجيل به آنها مي باشد، تا بدين وسيله غيريهوديان مانند قرباني خوشبوي به خداوند تقديم شوند تقديس شده به روح القدس." پولس از تصاوير عهدعتيق براي بيان وظيفة خود استفاده مي‌كند. او خدمت اعلام پيغام انجيل مخصوصاً در رابطه با غيريهوديان را به‌عنوان خدمت پرستش و خدمت كاهني كه قربانيها را به قربانگاه مي برد به تصوير كشيده است. در اين تصوير غيريهودياني كه مسيحي شده اند، به‌عنوان قرباني خوشبوي مورد قبول خدا در نظر گرفته شده‌اند.

حدود 700 سال قبل از زمان پولس، اشعياي نبي چنين نبوت كرد كه خدا برخي از بقيت ملت اسرائيل را به سمت ملل غير يهودي كه تا به حال در مورد خدا نشنيده و عظمت و جلال او را تجربه نكرده اند، خواهد فرستاد (اشعيا 66: 19-21).

اين يهوديان جلال خدا را به غيريهوديان اعلام مي كنند و غيريهوديان نيز به نوبة خود يهوديان ديگر را به‌عنوان قرباني به حضور خداوند خواهد آورد. بنابراين اشعياي نبي اين تصوير را در ذهن خود داشت كه چگونه يهوديان و غيريهوديان يكديگر را تشويق خواهند كرد كه به نزد خداي زنده بروند، همانگونه كه پولس هم آن را در روميان فصل 11 آشكار كرده است.

هر قرباني تنها در صورتي مي تواند مورد قبول خدا واقع شود كه پاك و مقدس باشد. پولس معتقد است كه روح‌القدس مي‌تواند عمل تقديس در شخص را انجام دهد. تنها آن گروه از يهوديان و غيريهودياني كه توسط روح القدس تقديس شده باشند، قربانيهاي مورد قبول خدا خواهند بود.

ج. پولس، خادم فروتن (15: 17-19). پولس رسول خود را به‌عنوان يكي از بقيت اسرائيل قلمداد مي كرد كه توسط خدا فرستاده شده بود كه عظمت و جلال او را به غيريهوديان اعلام كند، همانگونه كه اشعياي نبي هم نبوت كرده بود. اگر چه پولس يهوديان و غيريهوديان بسياري را به سمت مسيح هدايت كرده بود، در آية 18 چنين فرمود: "زيرا جرأت نمي كنم كه سخني بگويم جز در آن اموري كه مسيح به واسطة من به عمل آورد براي اطاعت امتها(غيريهوديان) در قول و فعل." پولس شخص فروتني بود و در رابطه با تمام موفقيت‌هاي خدمتش، تمامي جلال را به عيسي مسيح داد. چيزي كه براي او مهم بود، آن اموري نبود كه او به‌واسطة عيسي به عمل آورد بلكه آن اموري بود كه مسيح به‌واسطة او به عمل آورد. اعلام پيغام انجيل و هدايت مردم به سمت مسيح، كار مسيح بود نه كار پولس.

عمل خدا توسط پولس هم در قول بود و هم در فعل. در پشت گفتار و اعمال پولس، عمل و اقتدار عيسي مسيح قرار داشت. قدرت عيسي مسيح به طور خاص در آيات و معجزات آشكار مي شد. پولس معجزات را ازطرفي به‌عنوان عجايب و از طرف ديگر به‌عنوان نشانه ها توصيف مي كند. معجزه صرفاً عجايب يا وقايع خارق‌العاده نيست (دوم قرنتيان12: 12؛ غلاطيان3: 5؛ عبرانيان 2: 4)، بلكه نشانه‌اي است كه اشاره به آن عامل الهي مي كند كه توسط آن به وقوع مي پيوندد و بدين طريق ماهيت الهي آن را ثابت مي كند.

نشانه هايي كه توسط پولس رسول به وقوع مي پيوستند، متوجه عيسي مسيح به‌عنوان عامل اصلي آن بودند و اين حقيقت را ثابت مي كردند كه عيسي مسيح پولس را به‌عنوان رسول خويش فرستاد (2قرنتيان12: 12).

پولس مي‌گفت كه او با قدرت روح‌القدس اين معجزات را انجام مي‌دهد. اين خصوصيت پولس است كه هر وقت كه در مورد تأثيرات نجات‌بخش انجيل سخن مي‌گويد، به روح‌القدس اشاره مي كند. باز اين نيز يكي از خصوصيات اوست كه بين كار روح‌القدس و كار مسيح هيچ نوع تمايزي قائل نمي شود (روميان8: 9-11؛ 2قرنتيان3: 17، 18). تعاليم پولس حول عملكرد سه شخصيت تثليث و رابطة متمايز مسيحيان در رابطه با اين سه شخصيت مي‌گردد. فكر پولس شكل گرفته از تعليم تثليث بود (روميان15: 30؛ افسسيان4: 3-6).

سؤال 2. (15: 19ب-21) خط مشي بشارتي پولس چه بود؟
يادداشتها.

الف) پولس آنچه را كه به انجام رسانده بود، به طور خلاصه بيان مي كند. پولس رسول پيغام انجيل را "از اورشليم گرفته تا اليركون" علام داشته بود. او محدوده هاي شرقي و غربي خدمت بشارت خود را تا به آن لحظه قيد مي كند (2تيموتاؤس4: 10). او مي‌فرمايد: "من بشارت مسيح را تكميل نمودم." منظور پولس اين نبود كه او به طور كامل آنچه را كه آنها نياز داشتند به آنها تعليم داده بود، آنگونه كه در افسس كرده بود (اعمال20: 20، 27)، بلكه منظورش تكميل وظيفة بشارت انجيل در آن منطقه به‌طور كامل بود. هدف او اين بود كه براي كليساهاي مسيحي در اين منطقه بنياني قرار دهد (اول قرنتيان3: 7، 10). او در واقع وظيفه اش را در اين رابطه، انجام داده بود.

ب) پولس خط مشي بشارتي مخصوص خود را توضيح مي دهد. او مي فرمايد، "اما حريص بودم كه بشارت چنان بدهم، نه در جايي كه اسم مسيح شهرت يافته بود، مبادا بر بنياد غيري بنا نمايم." خط مشي پولس كه عملكرد، قلمرو و محدوديتهاي خدمتش را هدايت مي كرد، اين بود كه كليساها را بنيان گذارد و از طريق ملاقات‌هاي شخصي از آنان يا فرستادن ديگر همكاران خود براي ملاقات آنها، و همينطور از طريق فرستادن نامه‌هايي براي آنان، باعث تقويت ايمانشان بشود. البته پولس طبق خط مشي‌اي كه داشت، تصميم گرفته بود كه در مناطقي كه ديگران كليساهايي را پي ريزي كرده بودند خدمت بشارتي خود را انجام ندهد. خدمت رسالت او معطوف به تأسيس كليساهاي جديد در مناطقي بود كه هيچ كليسايي وجود نداشت و همينطور بنا و تقويت اين كليساها بود. خدمت رسالتي او همچنين معطوف به اين نبود كه كليساهايي را كه خادمين ديگري بنيان گذاشته بودند بنا و تقويت كند. پولس از اشعيا 52: 15 نقل مي كند كه در مضمونش، نبوتي است در رابطه با تأثير جهاني جلال يافتن مسيح پس از خوار شدنش مي باشد (اشعيا52: 14). ملل غير يهودي و پادشاهان جهان چيزهايي را خواهند ديد كه كسي براي آنها بيان نكرده است و چيزهايي را خواهند فهميد كه از كسي نشنيده بودند. پولس با نقل اين آيه خدمت بشارتي خود بين غيريهوديان را خدمتي در هماهنگي با نقشة خدا قلمداد مي‌كند كه در كلامش تأكيد شده است. با وجود اين، پولس هيچوقت در مورد اين موضوع كه خط مشي بشارتي او بايد خط مشي تمام ميسيونرهاي ديگر باشد، اصرار نمي ورزد.

سؤال 3. (15: 22-24) برنامة سفرهاي آيندة پولس چه بود؟
يادداشتها. به دليل اينكه اولويت اوليه براي پولس رسول، رفتن به سمت ملل و شهرهايي بود كه انجيل در آن مناطق هنوز موعظه نشده بود، او نتوانسته بود به روم برود. ولي حال كه وظيفة او در اين قسمت از جهان تكميل شده بود، تصميم داشت كه سر راهش به مناطق غربي دوردست، به روم برود. رفتن پولس به اسپانيا حقيقتي حتمي بود. اگر چه كتاب‌مقدس هيچوقت به سفر پولس به اسپانيا اشاره‌اي نمي كند، ولي براساس "رسالة قرنتيان " نوشته يكي از پدران كليسا به نام كلمنت روم و همچنين بر اساس يكي از اسناد قديمي به نام "قطعة موراتوري"، پولس به اسپانيا سفر كرد. برنامة پولس اين بود كه سر راهش به اسپانيا از روم عبور كند. وي اميدوار بود كه بتواند خدمتي در آنجا انجام دهد و به جهت سفرش به اسپانيا از آنها كمكهايي را دريافت كند. در كتابمقدس شواهدي مبني بر اينكه كليساهاي ديگر پولس را در انجام سفرهاي بشارتي‌اش حمايت كردند، وجود دارد (اعمال13: 1-4؛ 14: 26؛ 15: 40؛ فيليپيان4: 15-16).

سؤال 4.(15: 25-29) خدمت پولس در قبال افراد فقير در اورشليم چه بود؟
يادداشتها. پولس پيش از سفر به روم و اسپانيا، قصد داشت كه ابتدا به اورشليم برود و با خود هداياي مالي را كه توسط كليساهاي مقدونيه و اخائيه براي مسيحيان فقير اورشليم و يهوديه اهداء شده بود، براي آنها ببرد. اين عمل خير خواهانه يكي از اقدامات مهم بشارتي پولس رسول بود. اهداء هداياي مالي به طور تحت اللفظي، تحت عنوان مشاركت (به يوناني: koinonia)، بيان شده است. و به نوعي بيانگر رابطة مشاركتي موجود بين مسيحيان در كشورهاي مختلف دنيا بود. مسيحيان اورشليم و يهوديه پيغام انجيل را بين ملل غير يهودي اعلام كرده بودند. و مسيحيان در اين ملل غير يهودي، در ازاي محبتي كه دريافت كرده بودند، اموال مادي خود را بين مسيحيان فقير اورشليم و يهوديه تقسيم مي‌كردند. هرچند مقدار هداياي مالي، امري داوطلبانه بود، داشتن محبت عملي نسبت به ديگران، براي مسيحيان جهان عملي لازم و مهم بود (15: 27). مسيحيان در سراسر دنيا بايد ديگران را هم در بركات روحاني و هم در بركات مادي خود شريك سازند. به دليل اينكه غيريهوديان پيغام انجيل را از يهوديان شنيده بودند، خود را مديون محبتهاي آنها دانسته و مايل بودند از نظر مالي آنان را حمايت كنند (اشعيا2: 3ب؛ 11: 1؛ 42: 1؛ 60: 3؛ يوحنا4: 22). بنابراين پولس رسول چنين تعليم داد كه رابطة دوطرفة موجود ميان يهوديان و غيريهوديان بنابرآنچه كه بيان شد بايد امري واقعي و عملي باشد.
در روميان 15: 28، پولس مي‌فرمايد: "پس چون اين را انجام دهم و اين ثمر را نزد ايشان ختم كنم، از راه شما به اسپانيا خواهم آمد." درك كردن اصطلاح " اين ثمر را نزد ايشان ختم كنم"، آسان نيست ولي احتمالاً به اين منظور است كه هديه مالي براي مسيحيان يهودي، محبت غيريهوديان را به آنها ثابت مي كند.

سؤال 5. (15: 30-33) چرا پولس درخواست دعا كرد؟
يادداشتها. در روميان15: 30، پولس مي فرمايد: "لكن اي برادران از شما التماس داروم كه به خاطر خداوند ما عيسي مسيح و به محبت روح القدس، براي من نزد خدا در دعاها جد و جهد كنيد." اين يكي از خصوصيات شخصيتي پولس بود كه از مردم درخواست دعا براي خود مي‌كرد. به علت مقاومت موجود از طرف نيروهاي شرير اطراف و طبيعت گناه آلودي كه در طبيعت مسيحيان وجود دارد، دعا كردن نوعي جد و جهد و كشمكش است. بنابراين، به اين دليل كه دعا كردن نوعي كشمكش و منازعه است ، مسيحيان مي

توانند از طريق دعا كردن براي يكديگر، يكديگر را حمايت كنند. پولس همچنين درخواست دعا براي سفرش به اورشليم كرد. او از آنها درخواست كرد كه براي محافظت او از يهوديان غير مسيحي آنجا كه با پولس و خدمت او در هر جايي مخالف بوده و تلاش مي‌كردند كه مسيحيان آنجا را به دين يهود برگردانند، دعا كنند. همينطور خواهان دعا براي اين موضوع بود كه خدمتش بين يهوديان مورد قبول ايشان واقع شود. پولس مشتاق شهيد شدن نبود ولي شواهد زيادي داشت دال بر اينكه خدمتش بين غيريهوديان مورد شك و بدگماني واقع شده است. و به احتمال زياد شنيده بود كه گزارشهاي اشتباهي در اورشليم راجع به او پخش شده است دال بر اينكه او يهوديان را تشويق مي كند كه بين غيريهوديان زندگي كنند و بدين ترتيب از شريعت موسي و زندگي بر طبق رسوم و سنن يهود تخطي ورزند (اعمال21: 20-21). بنابراين احتمالا در او زمينه‌اي براي داشتن ترس و نگراني وجود داشت كه مبادا هداياي مالي اخائيه و مقدونيه مورد قبول مردم يهوديه واقع نشود. عليرغم تمام مخالفت‌هاي موجود، پولس به اقتدار و حاكميت خدا پي برده بود. او مي‌گفت: " به ارادة خدا اين كار را بكنم" (متي 26: 39، يعقوب 4: 13-17 ). او معتقد بود كه بدون اراده و اجازة خدا هيچ اتفاقي برايش نخواهد افتاد. پولس رسول كاملا خود را وقف اراده و حكمت خدا كرده بود.

گام 4: كاربرد
ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي است كه مسيحيان مي توانند امروز آن را به كار ببرند؟
در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميان 15: 1-33 فهرستي از كاربردهاي احتمالي تهيه كنيم.
ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟
يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي توانيد كاربرد شخصي تان را با ديگران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشيد كه در گروههاي مختلف، افراد ممكن است حقايق متفاوتي براي كاربرد شخصي انتخاب كنند، يا حتي كاربردهاي متفاوتي را از يك حقيقت استخراج كنند. ذيلا فهرستي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
15: 2-1؛ تنها به فكر خشنودي خود نباشيد بلكه به فكر خشنودي ديگران نيز باشيد و حاضر باشيد كه شكها و نگرانيهاي آنها را در رابطه با موضوعات قابل بحث در نظر داشته، آنها را بنا كنيد.
15: 4؛ عهدعتيق را مطالعه و بررسي كنيد. زيرا هر آنچه كه در عهد عتيق مكتوب شده است به منظوراين است كه به مسيحيان، صبر و تحمل و استقامت را بياموزد و توسط بيان اعمالي كه خدا در گذشته گفت و انجام داد، آنان را تشويق كند.
15: 5؛ در نظر داشته باشيد كه اتحاد مسيحي تنها زماني بوجود خواهد آمد كه مسيحيان عيسي مسيح را پيروي كنند و از اين قمست الگو بردارند. بدون شاگردي از مسيح، هيچگاه در كليسا و بين كليساها، اتحاد وجود نخواهد داشت.
15: 7؛ پذيرفتن دقيقاً به مفهوم مدارا نيست. معيار واقعي مسيحيان در مورد پذيرفتن يكديگر چيزي كمتر از روش عيسي در پذيرش ما نيست.
15: 14؛ صلاحيت و توانايي تعليم به ديگران را در كليسا توسعه دهيد (كولسيان3: 16).
15: 15-14؛ سعي كنيد همواره روي مسيحيان ديگر تاثير بگذاريد. از طريق يادآوري نكات مثبتشان آنان را تشويق كنيد. به دفعات به آنها در رابطه با فيض خدا يادآوري كنيد.
15: 18؛ از طريق صحبت در رابطه با اعمالي كه عيسي مسيح توسط شما انجام داده و نه اعمالي كه شما براي او كرده‌ايد، او را جلال دهيد.
15: 20-19؛ اجازه دهيد كه گاهي خط مشي شخصي پولس در خدمتش، در شما اين انگيزش را ايجاد كند كه پيغام انجيل را در جايي كه گسترش نيافته است، اعلام كنيد.
15: 24؛ براي آيندة خود برنامه ريزي كنيد ولي همواره نقشه هاي خود را به خدا بسپاريد(امثال 15: 3).
15: 27؛ بركات مادي و روحاني خود را با مسيحيان ديگر، مخصوصاً مسيحياني كه بيشترين نياز را در اين قسمتها دارند، در ميان بگذاريد.
15: 30؛ براي خدمات و كشمكشهاي روحاني برخي از ايمانداران به حضور خدا دعا كنيد.

كاربرد شخصي
- من مي خواهم متحمل مسيحيان ضعيف در كليسايمان بشوم.
- من مي خواهم به گروه دعايي كليسايمان ملحق شده به جد و جهد براي ديگران دعا كنم.

گام 5: دعا
دعا: هر يك به نوبت دربارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 15: 1-33 به ما آموخته

است، دعا كنيم.
(نسبت به هر آنچه كه در طول اين بررسي كتاب مقدس آموخته ايد، در دعا واكنش نشان دهيد. تمرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به ياد داشته باشيد كه افراد در گروههاي مختلف، دربارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

| | |
|---|---|
| دعا (8 دقيقه)<br>دعاي واكنشي | 5 |

به دعا كردن در گروههاي دو نفري يا سه نفري ادامه دهيد. براي يكديگر و براي مردم جهان دعا كنيد.

| | |
|---|---|
| تكليف (2 دقيقه)<br>براي جلسه بعد | 6 |

(رهبر: اين تكليف را به صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه ،روميان 15: 1-33 را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي كنيد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از هوشع 2، يوئيل 2، عاموس 5 و يونس 1 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: روميان 16: 17 را مورد تعمق قرار داده حفظ كنيد. هر روزه 5 آية حفظي اخر را مرور كنيد.
- آمادگي: مثل گوسفندها و بزها در متي 25: 31-46. از روش 6 گام جهت تفسير مثلها استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي كند (مزمور 5: 3)
- پوشة مربوط به (موعظة ملكوت خدا) را تكميل كنيد.